

تدارك كشتار توده ايها براي احياء مواضع امپرياليسم

آقای مقتدایی سخنگوی شورای عالی قضایی درباره علت به تعویق افتادن به اصطلاح محاکمه اعضای کادر مرکزی حزب توده ایران، مسائلی مطرح کرده، که در خور تحقق است. وی گفت: "۰۰۰ گاهی اتفاق می افتد که دادگاه ۰۰۰ به دلیل برخی از مسائلی که بعداً پیش می آید از قبیل نقص پرونده و یا مدارك جدیدی که پیدا می شود لازم است در مورد آن تحقیق شود و یا مشکلی در بعضی از محاکم از نظر حاضر شدن متهم در دادگاه و امثال اینها پیش می آید که محاکمه به تعویق می افتد."

بدینسان سخنگوی شورای عالی قضایی سه دلیل برای تعویق "محاکمات" ارائه داشته است: نقص پرونده، مدارك جدید نیازمند تحقیق و آماده نبودن "متهم" برای شرکت در دادگاه فرمایشی، هر يك از این "دلایل" را جداگانه بررسی می کنیم.

۱- نقص پرونده: در اصل ۳۲ قانون اساسی ج ۱۰ گفته می شود، که در صورت بازداشت افراد "حداکثر ظرف ۲۴ ساعت پرونده مقدّماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد." متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود."

بقیه در صفحه ۲

نامه مردم
از گان مرکزی حزب توده ایران

دوره هشتم - سال اول - شماره ۲۶
پنجشنبه ۸ آذر ۱۳۶۳
بها ۲۰ ریال

"زیر خط فقر!"

و متعلقات جنبی مزد بوقوع پیوسته است. در این اعتصابات جمعا ۲۱ هزار کارگر شرکت داشته اند. بعبارت دیگر، فشار فزاینده هزینه زندگی و کمی دستمزد، در نیه اول سال ۶۳، بیش از ۲۰٪ کارگران این منطقه صنعتی را به واکنش اعتصابی واداشته است.

هرگاه اشکال دیگر اعتراضات عمومی کارگران را که بصورت کم کاری، طرح مطالبات در مجامع عمومی، انتقاد و اعتراض به حاکمیت در سرویس - های ایاب و ذهاب، در رستوران های کارخانجات در رختکن ها و در اوقات استراحت ظاهر می شود بر موارد فوق بیفزاییم می توان تصویری روشن تر از ابعاد اعتراض زحمتکشان داشت.

بقیه در صفحه ۵

نا رضایی عمری از مجموعه سیاست های ظالمانه حاکمیت ارتجاعی و رویگردانی فزاینده توده ها از جمهوری اسلامی، ابعاد وسیعی بخود گرفتار است.

صدای اعتراض کارگران و زحمتکشان میهن ما علیه ادامه نابخردانه جنگ، گرانی و دستمزد اندک هر روز اوج فزاینده تری می گیرد و مبارزه توده ها در این راه به اشکال عالی تری نائل می شود. بنابراین گزارش موثق در نیه اول سال ۶۳، در کارخانجات و کارگاه های بزرگ واقع در منطقه صنعتی غرب تهران (جاده مخصوص و جاده قدیم کرج) با نزدیک به یکصد هزار کارگر، ۴۶ مورد اعتصاب عمومی یا قسمتی در ۳۸ واحد صنعتی و تولیدی این منطقه، تنها در اعتراض به کمی دستمزد

سخنی چند بانیر و های مترقی

پیکار در راه ایجاد جبهه متحد نیروهای انقلابی وارد مرحله نوبنی شده است. اینک سازمان ها و گروههای ضد امپریالیستی و مترقی و چپ برناه های متعددی برای ایجاد چنین جبهه ای ارائه می دهند و هر روز نیز تعداد آنها ریفزونی است، بدون تردید امید آفرین است.

حزب توده ایران اعتقاد راسخ داشته و دارد که تحقق آماج های انقلاب به نحو فزاینده ای با مساله اتحاد همه نیروهای انقلابی، ضد امپریا - لیستی و ملی در ارتباط بوده و هست. به همین دلیل ما از هر کوششی در این راه استقبال کرده و می کنیم. ما با این نظر برخی از نیروهای چپ که مبارزه در بین سازمان های سیاسی بازتاب مبارزه طبقاتی است، نیز کاملاً موافقیم. این نظر نیز که جنبش کمونیستی کشور ما مهمترین آماج دشمنان طبقاتی است، صحت دارد. اکنون دیگر کمتر انسان شرافتمند را می توان سراغ داشت که به ترهات رژیم پیرامون اتهامات سخیف "جاسوسی" و "براندازی" به حزب توده ایران باور کند. گذشت زمان برای همه زحمتکشان کشور به ثبوت رساند که آنچه مد نظر سران جاسوسی است، ترس و وحشت از ایدئولوژی و جهان بینی حزب توده ایران است. چنانکه دیدیم، در شوهای تلویزیونی اخیر دیگر سخن بر سر "جاسوسی" و "براندازی" نبود، بلکه در خیمان جاسوسی کوشش می کردند با استفاده از شیوه های ضد بشری و ضد اخلاقی بنوشته کیهان (اول آبانماه ۶۳) "دیوار ساختن مارکسیسم - لنینیسم" را فروریزند، یعنی همان کاری که زمانی هیتلر و گوبلز و در دوران کنونی ریگان و ضد کمونیست های حرفه ای یحده داشته و دارند. سرنوشته گوبلز و هیتلر برای همگان روشن است. ضد کمونیست های معاصر نیز دچار همان سرنوشته خواهند شد. در این مورد جای کوچکترین تردیدی نمی تواند باشد.

بقیه در صفحه ۴

آقای نخست وزیر! از کدام ارزشهای انسانی سخن میگویید؟

اصطلاح علمی و در حقیقت بی اساس و غیر منطبق با واقعیت می لنگد، سردمداران جاسوسی و کوشش به ندادن هنرمندان در برون رفت از مخصصه ای که گرفتار آن شده اند و برای توجیه سیاست ادامه جنگ فوری بگویند. اما روشن است که با همه ترفند های تبلیغاتی که به کار برده اند و می برند، در کار خود موفق نشده اند. چرا که هنرمندان واقعی کشور با آگاهی از ماهیت ویرانگر و ضد مردمی جنگ از آن نفرت دارند.

امروزه درون ما به بیشتر آثار هنری در سر زمین ما نفرت از جنگ است. آثاری که متأسفانه در جو خفقان حاکم بر کشور به ندرت مجال عرضه می یابند. چه بسیار شاعران، داستان نویسان، نقاشان، نمایشنامه نویسان، موسیقی دانان و هنرمندان عکاسی در این باره ذوق خود را محک زده و آثاری به یاد ماندنی با تکیه بر واقعیت خلق کرده اند. اتفاقاً به همین "جرم" هم اغلب آنها آواره، زندانی و یا تحت پیگرد هستند. همین

بقیه در صفحه ۷

سردمداران جاسوسی هم به شیوه خلفای جابراموی و عباسی و برخی سلاطین و دست نشاندهانشان در کشور ما، در حالی که بویی از هنر نبرده اند، هزار چندگانه - به نیت برای خالی نبودن عریضه، دست "نفقدهای بر سر گروهی از هنرمندان" می کشند و پس از کلی اظهار فضل و اطلاع و ارائه طریق، آنها را به مداحی جنایات خود فرامی خوانند.

سیاست "جنگ، جنگ، تا پیروزی" مهم ترین محوری است که نیروهای ارتجاعی حاکم بر کشور همواره تلاش می کنند تا مورد تأیید هنرمندان قرار بگیرد. آنها با يك تیر و دو نشان می زنند. از سویی می خواهند از این راه حقانیتی برای خود دست و پا کنند و از سویی دیگر عقیده دارند که "در جنگ اتفاقات زیادی می افتد که با تحلیل های علمی و سیاسی نمی توان آن را بیان کرد و دیدن و درك آن شیوه خاص می خواهد و آن شیوه زبان هنر است" (نخست وزیر - اطلاعات ۸ مهر ۶۳). به عبارت بهتر، آنجا که پای تحلیل های به

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

تدارك كشتار توده ایها ..

بقیه از صفحه ۱
مردم ایران می دانند، توده های های در بند از ۲۷ بهمن ۶۱ تا کنون نزدیک به دو سال است که در زیر وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روحی در فرماوشخانه های رژیم در بند هستند ۱۰ آیا این مدت برای تکمیل پرونده کافی نیست؟ آیا اینک ارگان های قضایی با زیر پا گذاردن قانون اساسی پس از ۲۱ ماه به تقصد پرونده اعتراف می کنند، سند محکومیت آنها و دلیل قاطع حقانیت زندان توده های نیست؟

۲- مدارك جدید: از کدام مدارك جدید سخن گفته می شود؟ آیا استناد به "مدارك جدید" نشانگر عدم وجود مدارك برای اثبات اتهامات وارده به اعضای حزب توده ایران نیست؟ جالب است که بلافاصله پس از یورش سبانه به حزب توده ایران، سران رژیم ما را به "جاسوسی" و "براندازی متهم ساختند" ولی نه تنها جریان محاکمه گروه ۱۰۱ نفری از اعضای حزب توده ایران در دادگاه درست است، بلکه محاکمه در دادگاه های درست دیگر که طی یکسال اخیر جریان داشت، نشان داد که رژیم ج ۱۰ کوچکترین دلیل و سندی برای اثبات این اتهام ساخته و پرداخته "سیا" و "انتلیجنست سرویس" در دست ندارد. در این مورد نیز مسئولین قضایی اصل ۳۹ قانون اساسی را لگدمال کردند. در این اصل تاکید می شود که هتک حرمت و حیثیت کسی که بازداشت شده ممنوع و موجب مجازات است نکته باریکتر از مواجعت است. باید پرسید مدارك جدیدی که آقای مقتدایی به آنها اشاره می کند، توسط کدام یک از ارگان های جاسوسی امپریالیستی "تهیه" و در اختیار مسئولین قضایی ج ۱۰ گذارده شده است؟

۳- آماده نبودن "متهم" برای شرکت در دادگاه: به نظر می رسد که این مهمترین دلیل تعویق به اصطلاح محاکمه های باشد که سران ج ۱۰ چندی پیش با بوق و کرنا به جهانیان اعلام کردند. در تخمین رژیم حدود دو سال روی زندانیان "کارکردند" تا به یاری انواع شکنجه های وحشیانه و تزییق مواد مخدر، قربانیان مسخ شده ای برای شرکت در رسید دادگاه های فرمایشی علنی آماده سازند. قربانیانی که طبق سناریوی از قبل آماده شده، می بایست به "جرائم" سرهمبندی شده "اعتراف" می کردند.

چنانکه در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت آغاز محاکمه کادرهای مرکزی حزب گفته شده، این محاکمه از مدت ها پیش در زندان ها آغاز شده و پایان یافته است. حتی احکام اعدام نیز برخلاف موازین جاری کتابیه دست قربانیان داده شده است که توسط آنها به رؤیت خانواده ها هم برسد. این صحنه سازی نیز برای پیاده کردن سناریوی "محاکمه علنی" ضرورت داشت. اینک باید دید برای "آماده کردن" زندانیان چه نقشه ضد بشری دیگری در شرف تکوین است.

آقای رییس جمهور، چند ی پیش از تریبون نماز

جمعه گفت: "نمی شود از مردی که ملاحظه می کنند، در مسئولین کشور شجاعت اخلاقی نیست، گفتن حرف حق نیست، توقع داشت که آنها شجاعت اخلاقی داشته باشند"

ما با بخش نخست این اظهارات پیرامون عدم شجاعت اخلاقی در مسئولین کشور و ترس آنها از گفتن حرف حق کاملاً موافقیم. آنها جرئت ندارند به مردم بلاکشیده ایران بگویند هدف از یورش به حزب توده ایران تعقیب مقاصد دیگری بود. مسئولین کشور آن شجاعت اخلاقی را ندارند تا به توده های محروم بگویند، هدف از متهم ساختن حزب توده ایران، کتمان واقعیت تلخ چرخش به سوی امپریالیسم و احیاء نظام سرمایه داری وابسته در کشور است.

مردم میهن ما بخوبی می دانند، که حزب توده ایران یکی از سرسخت ترین نیروهای مبارز کشور در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است. آنها واقفند که حزب ما و اعضای آن، آنی پرچم پیکار علیه کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان و حامیان امپریالیسم را بر زمین نذر کرده و نخواهند گذاشت. حزب توده ایران یگانه سازمان سوسیالیستی بود، که بلافاصله پس از بیرون راندن قوای بیگانه از خاک کشور ضرورت پایان دادن به جنگ را، علیرغم تعالی سران ج ۱۰ مطرح ساخت و در راه آن مبارزه کرد. حزب ما اعلام کرد که ادامه جنگ فقط و فقط بنفع امپریالیسم تجار و بزرگان آمریکا است و موجب تحکیم مواضع امپریالیسم در منطقه خواهد شد. حزب توده ایران با ارائه فاکت ها و اسناد انکارناپذیر سیمای واقعی زالوه های اجتماعی که خون زحمتکشان را می مکند و نیز حامیان آنها را در حاکمیت ج ۱۰ به عینه نشان داد. حزب ما، در رخنه ساختن نقشه های امپریالیسم آمریکا از طریق افشای آنها در برابر افکار عمومی، خشم و کینه حامیان ایرانی امپریالیسم را برانگیخت.

در این میان نباید و نمی توان همزمانی حملات وحشیانه به میهن پرستان ایرانی را با سرکوب نیروهای ملی و مترقی در کشورهای همسایه دست نشانده و واشنگتن، یعنی پاکستان و ترکیه نادیده گرفت. هدف در رهسنگ کشور سرکوب جنبش های ضد امپریالیستی به قصد تحکیم مواضع امپریالیسم آمریکا در منطقه است.

در ماه اکتبر ۱۹۸۰ روزنامه "نیویورک دیلی نیوز" در مقاله ای پیرامون ادامه جنگ ایران عراق و نتایج آن از نقطه نظر امپریالیسم آمریکا نوشت: در چنین روزهایی، کارشناسان برنامه ریزی استراتژیک، نقشه خاور نزدیک را قطعه - قطعه می کنند، به آنها رنگ های مختلف می زنند، سپس آن قطعات را می چسباند به این امید که آنها هیچگاه سرخ نخواهند شد."

این اعتراف روزنامه آمریکایی دلیل بارز اهمیت است که واشنگتن برای دامن زدن به هیستری

ضد کمونیستی و ضد شوروی در ایران قائل است. همان روزنامه در سپتامبر همان سال نوشت: "با وجود کراهت خمینی از آمریکا، هم خود خمینی و هم هواداران و پیروان او، ضد کمونیست های هار هستند. منطقاً، پناهگاه ایالات متحده آمریکا در کوشش برای احیاء سیادت و نفوذ خود در رایسن منطقه، مانند گذشته عبارت است از ایران."

۲۰ سپتامبر ۱۹۸۴ مجله "اشترن" (آلمان غربی) پس از اشاره به اینکه "کمونیست ها و مارکسیست ها هم توسط خمینی خرد شده اند می پرسد: "آیا نرمش و احتیاطی که ایران در زمان حاضر نشان می دهند و مثلاً در ریچهای که به روی غرب گشوده است عملی گذر و فقط برای جلب محبت غرب و ممانعت از قطع شدن جریان و صدور نفت به خارج است؟"

۲۰ نوامبر ۱۹۸۴، یعنی پس از اعلام تاریخ آغاز محاکمه کادرهای مرکزی حزب توده ایران روزنامه "هراند تریبون" در مقاله ای که از صدای جمهوری اسلامی نیز پخش شد، با اصطلاح ثبات سیاسی رژیم را ستود.

بالاخره، مجله "عربیا" چاپ لندن (اکتبر ۸۴) از گرایش جمهوری اسلامی به سوی بخش خصوصی و امتناع از دخالت دولت در اقتصاد، اظهار خشنودی کرد.

وقتی این نوشته ها را در کنار این خبر قرار دهیم، که تنها اتحادیه شرکت تعاونی و انجمن اسلامی آهنکاران ساختمانی تهران، طی یک فقره چک، ۱۲۵۰ میلیون تومان برای سرکوب حزب توده ایران به حساب کمیته امداد واریز کرده است، عمل یورش به حزب توده ایران و تدارك محاکمه به اصطلاح علنی کادرهای مرکزی روشن می شود.

هم امپریالیسم آمریکا و هم عمل محلی آن، در هر کسوتی، بخوبی می دانستند که تا حزب توده ایران در صحنه سیاسی ایران فعالیت علنی دارد تحقق سیاست های ضد ملی امکان پذیر نیست.

بی هیچ تردیدی، سران ج ۱۰ که به سبب رویزافتگی از آماج های مردمی انقلاب، دست کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان را در غارت بی بند و بار توده های محروم بازگذاشته اند و ادامه جنگ خانمانسوز شرایط احیاء مواضع امپریالیسم را فراهم می آورند و به همین مناسبت با اوج ناراضی عمومی و خشم توده های زحمتکش مواجه اند، نیازمند برپایی محاکمات فرمایشی و دامن زدن به هیستری ضد توده های و ضد شوروی هستند تا بلکه بتوانند صدهای اعتراض را در سینه ها خفه کنند.

در چنین شرایطی فقط اعتراض توده های زحمتکش در داخل و همبستگی محافل مترقی و انسانیست در رقیاس جهانی است که می تواند جان هزاران توده های در بند را از مرگ و نابودی نجات دهد.



پایدار باد همبستگی جهانی با زندانیان توده های!

بمناسبت ۶۶-مین سالگرد صد و پنجاهمین سالگرد زحمات مسلمانان روسیه و خاور زمین

سخنی چند پیرامون مناسبات ایران و شوروی

روز سوم دسامبر (۱۲ آذر) مصاف با شخصیت و ششمین سالگرد صد و پنجاهمین "به همه زحمتکشان مسلمان روسیه و خاور زمین" است. این پیام در واقع آغاز گشایش فصل نویسی در مناسبات بین المللی بسود خلقها بود. شایسته است بگونه‌ای گذرا دستاورد های مناسبات ایران و اتحاد شوروی را که همواره در جهت استواری پایه‌های حاکمیت ملی و استقلال کشور ما بود و هست از نظر بگذریم. این مسرور بخصوص می‌تواند پاسخی باشد به تلاش‌های پر دامنه‌ای که برای وارونه جلوه دادن سیاست خارجی اتحاد شوروی صورت می‌گیرد. بویژه اینکه رهبران جمهوری اسلامی در شرایط کنونی بمنظور توجیه سیاست ضد ملی و خانثانه خود مبنی بر گشودن دروازه‌های کشور بروی کشورهای امپریالیستی و انحصارات چند ملیتی، به حره زنگ زدند. کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی و در مرکز آن درگروند جلوه دادن ماهیت مناسبات اتحاد شوروی و ایران جنگ می‌اندازند.

در آستانه انقلاب اکبر، کشور ما ایران در نتیجه سطره دیرپای د کشور امپریالیستی انگلستان و روسیه تزاری از هرگونه استقلال سیاسی و اقتصادی محروم و به کشور نیمه مستعمره تبدیل شده بود. ایران در خطر تقسیم میان دولت‌های امپریالیستی و تبدیل شدن به مستعمره قرار داشت.

پس از برقراری حکومت شوراهای لنین در نخستین بیانیه خود در مقام صد و شصت و یکمین خلق به همه زحمتکشان مسلمان روسیه و خاور زمین چنین می‌گوید: "ما اعلام می‌داریم که قرارداد تقسیم ایران از هم درید و نابود شده است. از جانب روسیه و دولت انقلابی وی اسارت در انتظار شما نیست، بلکه از جانب درندگان امپریالیست یعنی از جانب آنهایی که میهن شما را به مستعمره توهین شده و به تاراج رفته خویش مبدل ساخته‌اند."

در پی صدور این بیانیه، نیروهای ارتش روسیه تزاری بدستور دولت جوان شوروی، خاک کشور ما را ترک کردند. در ۲۹ ژانویه ۱۹۱۸ شورای کمیسرهای ملی اعلام داشت که همه قرار داد های اسارت را، استقلال شکنانه و تحمیل شده از سوی روسیه تزاری به ایران از جمله قرارداد ۱۹۰۷ لغو شده است و از هیچ گونه اعتباری برخوردار نیست.

در ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ دولت شوروی طی اعلامیه‌ای خطاب به خلق و دولت ایران از کلیه حقوق و مطالبات و امتیازات خود و اتباع روسیه تزاری در ایران صرف نظر کرده و الغای حقوق کاپیتولاسیون را اعلام داشت. براین بنیان کلیه بدهی‌های ایران و تمام اموال و دارایی‌ها و مؤسسات متعلق به روسیه تزاری به مردم ایران

واگذار شد. برپایه حسابرسی‌های بعمل آمده ارزش اموالی که به ایران واگذار گردید برابر با ۲۴۳۰ میلیارد قران، یعنی ۱۶ برابر درآمد سالانه بودجه دولتی روسیه در ۱۹۱۳ و برابر با ۱۶ سال بودجه دولت ایران در هنگام لغو قرارداد بود. این اقدام دولت شوروی در آن شرایط دشوار تنها بیانگر سرشت عمیقاً انسانی و آزاد یخواهانه آن نظام نوخاسته بود.

در همان زمان، وزیر خارجه اتحاد شوروی طی یادداشتی اعلامیه پیش گفته را بدین نحو تفسیر می‌کند: "اصول سیاست شوروی در مورد ایران عبارت است از رد هرگونه قراردادی که علیه آزادی استقلال ایران باشد، عدم مداخله در امور داخلی ایران، تخلیه کامل ایران از قوای تزاری و سایر دول امپریالیستی، بازگرداندن تمام آن چیزی که تزاریسم و مستعمرات منیش به زور از مردم ایران گرفته‌اند."

در بخشی از این یادداشت هدف سیاست خارجی شوروی چنین تصریح شده است:

"دولت کارگر-دهقانی روسیه می‌خواهد با ایران مناسبات دوستی و حسن همجواری داشته باشد."

کشور شوراهای در چهارچوب مناسبات برابر حقوق و دستاورد دارای سود متقابل، از فردای پیروزی انقلاب سوسیالیستی تا امروز همواره بدون هیچ چشمداشتی، از منافع مردم ایران دفاع کرده است. اتحاد شوروی همواره افشاگر توطئه‌ها و امپریالیستی علیه ایران و پشتیبان مردم ایران در بی‌اشراختن آنها بوده است. زمانی که انگلستان به منظور تبدیل ایران به تحت‌الحمایه خود، قرارداد ۱۹۱۹ و شوق‌الدوله را به کشور ما تحمیل کرد، حکومت جوان شوروی به رهبری لنین در بیانیه‌ای خطاب به مردم ایران ماهیت این قرارداد اسارت‌بار را افشاء کرد و اعلام داشت که آن را برسمیت نمی‌شناسد. دیری نیامید که تحت تأثیر این بیانیه و کارزار پرشوری که با شرکت توده‌های مردم برافزاد، سرانجام قرار داد ۱۹۱۹ لغو گردید.

اتحاد قرارداد ۱۹۲۱ بین ایران و اتحاد شوروی را می‌توان از جمله تلاش‌های حکومت شوراهای بخاطر تقویت پایه‌های استقلال و حقوق حاکمیت ملی ایران و بستن راه مداخله امپریالیستی در ایران قلمداد کرد. این قرارداد در واقع نخستین سند سیاسی در تاریخ محاصره ایران است که روابط ایران را با یک کشور بزرگ و نیرومند خارجی برپایه شناسایی برابری حقوق، احترام بحق حاکمیت ملی و سود متقابل تضمین می‌کند. سیاست خارجی دولت شوروی پیوسته در راستای تحکیم پایه‌های استقلال اقتصادی و سیاسی ایران بوده است. اتحاد شوروی با پایداری قهرمانانه در برابر فاشیسم و نابودی آن نه تنها

نقشه‌های تجاوزکارانه و توسعه طلبانه آلمان نازی را که از جمله دست اندازی به خاک ایران بود، خنثی ساخت، بلکه پس از جنگ دوم جهانی با ابراز مخالفت قاطع نقشه توطئه آمیز انگلیسی-آمریکایی تقسیم ایران، کشور ما را از خطر تقسیم میان کشورهای امپریالیستی نجات بخشید. اتحاد شوروی در سالهای پرتب و تاب و انقلابی حکومت دکتر صدق که امپریالیست‌ها کشور ما را بگونه‌ای در حلقه محاصره اقتصادی گرفته بودند، مناسبات بازرگانی و اقتصادی خود را با کشور ما گسترش داد. بازرگانی ایران و شوروی در این سالها با موازنه مثبت به سود ایران، کمک بزرگی برای تعدیل پرداخت های خارجی ایران و اجرای سیاست "اقتصاد بدون نفت" دکترا صدق بود. سخنان دکتر صدق شاهدی گویا بر این مدعا است:

"چنانکه من در گذشته دیده‌ام، تردید ندارم اگر اتحاد جماهیر شوروی از صحنه سیاست بین المللی ما غائب شود، برای ما در هوای آزاد هم تنفس دشوار است."

یا در پاسخ به یاهو سرابی‌های ارتجاع و امپریالیسم و ریزخواران آنها در حاکمیت جمهوری اسلامی که سعی در وارونه جلوه دادن حقایق مربوط به موضع گیری‌های اتحاد شوروی در آن دوران تاریخی دارند، می‌توان سخنان آیت الله کاشانی را که مورد تأیید سرانج ۱۰ است گواه گرفت:

"دولت شوروی کوچکترین مداخله‌ای در کار کشور ما نکرده است. وطن ما از جانب سیاست شوروی به هیچ وجه تهدید نمی‌شود و بنظر من نخواهد شد و ما از این حیث از کشور اتحاد جماهیر شوروی امتنان داریم." (در مصاحبه با "وان برزن" خبرنگار آلمانی، "آخرین نبرد"، ۱۴ آذر ۱۳۳۰).

در بیش از دو دهساله اخیر، با کمک اتحاد شوروی گامهای اولیه در راه صنعتی شدن کشور که امپریالیسم جهانی و کارگزاران داخلی اش در راه آن سنگ اندازی می‌کردند، برداشته شد. با ایجاد صنایع سنگین، بویژه کارخانه ذوب آهن، ماشین سازی تبریز و اراک، نیروگاه های برق، سد ها و سیلوها و دیگر مؤسسات صنعتی ساخته شده با کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، در واقع هریک، بجز از خواستها و آرزوهای دیرین ملت ایران جامعه عمل پوشانند.

همسایگی با اتحاد شوروی، نه تنها دزدگی سیاسی، اقتصادی کشور ما بسیار موثر و سود مند بوده بلکه پشتیبانی های سترگ این کشور در لحظات دشوار و سرنوشت ساز مبارزات انقلابی مردم ایران چهره نمایانی داشته است. مردم ایران هرگز هشدار بهنگام دولت اتحاد شوروی را در آستانه

خبرنگار "نامه مردم" در میان مردم

بیان اعتصابها در منطقه صنعتی غرب تهران

درشش ماهه اول سال جاری، در کارخانجات و کارگاه های بزرگ واقع در جاده های مخصوص و قدیم کرج (منطقه صنعتی غرب تهران) ۶۶ مورد اعتصاب - اعم از عمومی یا قسمتی - در ۳۸ واحد صنعتی، تخم هراس در دل سرمایه داران بزرگ پاشید. دلیل اغلب اعتصاب ها کمی دستمزد و پیمانال شدن حقوق صنفی کارگران بود. کارگران اعتصابی بالغ بر ۲۱ هزار نفر، یعنی قریب یک پنجم مجموع کارگران این منطقه می شوند. ۱۳۰ مورد از ۶۶ مورد اعتصاب های یاد شده با دخالت دستگاه های انتظامی و قضایی - دادستانی اوین دادستانی مستقر در وزارت کار و پاسداران کمیته ها - به خون کشیده شد. تعدادی از کارگران مجروح شدند، تعدادی اخراج و تعدادی بازداشت. نتیجه مهم این که بیشتر این اعتصاب ها به نفع کارگران تمام شد.

پرونده سازی علیه کارگران انقلابی

در مهرباه امسال وزارت کار فرم های اطلاعاتی مخصوص در اختیار مدیران تعدادی از کارخانجات گذاشت. در این فرم ها که به تعداد کارگران هر کارخانه بود، از کارگران خواسته شده که سوابق کار، تخصص، آدرس دقیق محل سکونت و سوابق فعالیت سیاسی خود را دقیقاً بنویسند. در برخی از کارخانجات از جمله کالباس سازی آرزومان و پارس مثال برای فریبکاران از این فرم هابه عنوان فرم طبقه بندی مشاغل یاد شده است. اما کارگران که هدف دست اندرکاران را به خوبی دریافته بودند از پرکردن فرمهای مذکور بطور یکپارچه سر باز زدند. مدیریت این کارخانجات در مقابل واکنش یکپارچه کارگران و اعمال فشار آنان ناچار به عقب نشینی شد. این فرم ها در کارخانجات مینو، ایران ناسیونال و کفش ملی نیز به تعداد محدود در اختیار برخی از کارگران قرار گرفت. کارگران به درستی می پرسند سوابق سیاسی کارگرایا آدرس دقیق محل اقامت او چه ربطی به طبقه بندی مشاغل دارد؟ با تشکیل وزارت اطلاعات، کسب خبر در مورد سوابق سیاسی افراد و نشانی دقیق آنان در دستور روز است و وزارت کار و برخی از مدیران کارخانجات و برخی از انجمن های اسلامی در این زمینه دستیار وزارت اطلاعاتند.

اعتصاب عمومی کارگران "پارس مثال"

۲۸ مهر ماه کارگران پارس مثال - واقع در جاده تهران کرج - دست به یک اعتصاب عمومی زدند. کارگران قسمت تولید با متوقف کردن ماشین آلات

سخنی چند با ... بقیه از صفحه ۱

آنچه در این میان مایه تأسف است هم آواری ناآگاهانه برخی از سازمان های مترقی با دشمنان خلق است، بویژه اینکه این سازمان ها خود را هوادار سوسیالیسم علمی و مارکسیسم - لنینیسم هم می دانند. مگر ارگان های سرکویگزیم پس از یورش به حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعلام نکردند که آنها "از صحنه مبارزات" محو شدند؟ مگر آنها هم ما را "پیکر بی جان" نخوانند؟ آیا آنها به اطرافیان خود هشدار ندادند که "برخوردر ریشه ای با تفکر آنان را نباید از نظر دور داشت"؟ آیا سران ج ۱۰ هم ما را به "سازش با شاه" متهم نمی کنند؟ ما قضاوت در باره اینگونه برخوردها را به عهده خود دوستان می گذاریم. ما با سکوت در مقابل حملات (در حالیکه پاسخ قاطع داریم) می خواهیم نمونه ای از وفاداری به امر مشترک در رکوش های جمعی برای نجات توده های محروم باشیم.

وحدت عمل و اتحاد نیروها در جبهه واحد، تنها از طریق تلاش های مشترک و مراعات موازین اخلاقی از طرف همه نیروهای میهن دوست و د مکررات و ضد امپریالیستی که هر یک نقش معینی در مبارزه ایفا می کنند، حاصل می شود، این روند با احترام متقابل و الویت قائل شدن برای منافع کل جنبش بر منافع هرکدام از خواهان، استقلال

دست از کار کشیدند و در سالن اصلی کارخانه اجتماع کردند. علت اعتصاب عدم پرداخت قسط اول پاداش سالیانه بود که طبق روش مرسوم می - بایست در پایان شش ماهه اول سال پرداخت می - شود. در این اجتماع چند تن از کارگران با اشاره به گرانی سرسام آور مایحتاج عمومی، گرایی مسکن و هزینه تحصیل فرزندان به وضع موجود اعتراض کردند. سپس کارگران دسته جمعی عازم دفتر کار مدیر کارخانه شدند و سر راه خود از کارگران قسمت فنی که تا آن لحظه به اعتصابیون نپیوسته بودند دعوت کردند که اعتصاب کنند. یکی از کارگران متن شعار داد: یاران به ما ملحق شوید / عازم کسب حق شوید. کارگران فنی به همکاری خود پیوستند و کارگران دسته جمعی در مقابل اتاق مدیر کارخانه اجتماع کردند و خواستار دریافت مطالبات خود شدند. این اعتصاب چند ساعتی طول کشید و فردای آن روز قسط اول پاداش سالانه پرداخت شد. جالب اینکه در روز دوم مدیر کارخانه از ترس این که مبادا کارگران مجدداً اعتصاب کنند از پشت شیشه اتاقش مرتباً دست های اسکانس را به کارگران نشان می داد. کارخانه پارس مثال تولید کننده قطعات چدنی و فولادی است. در این کارخانه نزدیک به ۱۱۰۰ کارگرو کارمند اشتغال دارند.

آزادی و عدالت اجتماعی توأم است.

مبارزه در راه تشکیل جبهه متحد نیروهای انقلابی در شرایط مشخص کنونی حائز اهمیت فوق العاده ای است و نیازمند انعطاف پذیری سیاسی و پایداری در پیروی از یک مشی حساب شده و هدفمند در رابطه با متحدین و گفتگویش میز مذاکره است، نه مجادله قلمی، که خواست دشمنان ما است.

کم بها دادن و در مواردی حتی نفی کلیه نیروهای انقلابی، به استثنای خود، نمی تواند به اصل تجمع نیروها کمک کند. بدیهی است که تسبیح نیروها در هر ائتلاف متضمن برخورد های گونه گون نسبت به متحدین مختلف است. مسئله مهم در این زمینه کوشش برای ایجاد یک شالوده د مکراتیک است که موجب تحکیم پیوند ها میان شرکت کنندگان جبهه واحد شود. نه فراهم کردن زمینه تشدید نفاق میان آنها. هر کوششی برای نادیده گرفتن منافع یا نقض حقوق مشروع یکی دیگر از محدین بالقوه، پیشرفت مبارزه علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را کند می کند. خود محوری گروهی، غرور و نادیده گرفتن توان دیگران، پدیده های منفی است، که می تواند تلاش در راه تاسیس جبهه واحد را خنثی سازد.

با در نظر گرفتن این حقیقت بود که پلنوم هیجده هم کمیته مرکزی حزب توده ایران اتحاد احزاب و سازمان های سیاسی مترقی و انقلابی را عامل تعیین کننده، و وثیقه اساسی پیروزی زنجیر دانست که اکنون میان نیروهای ارتجاعی و عمال امپریالیسم از یکسو و نیروهای خلق از سوی دیگر در جریان است. پلنوم هیجده هم بد رستی خاطر نشان کرد، که وجود اختلاف بین نیروهای انقلابی د مکراتیک و ضد امپریالیستی در عرصه ایدئولوژی - ژیک و نیز پیرامون چگونگی تداوم مبارزه و هدف های د و رتر جامعه ایران امریست طبیعی. آنچه حائز اهمیت است وجود نکات مشترک پیرامون هدف عمده مبارزه در مرحله کنونی میان حزب ما و دیگر جریان های سیاسی نامبرده است، که شرایطی را برای مذاکره و یافتن زبان مشترک در باره برنامه و مشی سیاسی بوجود بیاورد.

به نظر ما، در اتحاد نیروها باید روی مسائل مورد توافق تکیه کرد و از عهده کردن مسائل مورد اختلاف پرهیز جست.

ما، با توجه به حساسیت لحظه و درک مسئولیتی که مانند هر یک از گردان های انقلابی در قبال توده های محروم بعهده داریم، صریحاً به دستن خلاق هشدار می دهیم، در حالیکه نیروهای ارتجاعی و ضد انقلاب و عمال رنگارنگ امپریالیسم در صف واحدی علیه احزاب و سازمان های انقلابی - بر خاسته اند، امتناع از وحدت عمل در جبهه واحد به هر عنیانی، این بار نیز جنبش را با شکست مواجه خواهد ساخت.

جنگ عامل اصلی بحران اقتصادی، وابستگی، استثمار کارگران و دهقانان، بیکاری روز افزون، گرانی، آوارگی و بی خانمانی است!

اومانیته:

خون محکومین به مرگ
قبل از اعدام گرفته میشود

"اومانیته" ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه در شانزدهم اکتبر طی مقاله‌ای با عنوان یاد شده می‌نویسد: "از این طریق رژیم خمینی بانک خون و بیمارستان‌های خود را تغذیه می‌کند."

"اومانیته" با اشاره به این که نماینده تهران در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو این واقعیت را با قسم و آیه تکذیب کرد تاکید می‌کند که "برای تغذیه بانک‌های خون و بهداشتی‌ها از محکومین به مرگ قبل از اعدام مثل حیوان خون گرفته می‌شود."

"اومانیته" می‌نویسد: "فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر طی ماهوریتی از نهم اوت تا هشتام سپتامبر، صحت این جریان را ثابت می‌کند. این ماهوریت زیر نظر آقای روستوگر انجام شد. وی بخشنامه‌ای با خود آورده و ارائه کرد که در تاریخ سوم اکتبر ۱۹۸۳ (۷ مهرماه ۶۲) از طرف رییس دادستانی انقلاب جمهوری اسلامی به تمام دادستانی‌های کشور ابلاغ شده است."

"اومانیته" با تاکید بر اینکه "متن این بخش نامه بهیچ تفسیری احتیاج ندارد" آن را عیناً نقل کرده است: "همچنان که سپاه پاسداران برای ما مشخص کرده است، هنگامی که برادران سپاه حین درگیری در شهرها یا در جبهه‌های جنگ زخمی می‌شوند، بعد از منتقل شدن به بیمارستان‌ها احتیاج فوری به تزریق خون دارند. کمبود ذخیره خون و غیرممکن بودن تهیه آن، مرگ زخمی‌ها را به همراه دارد. جهت حل این مسئله و پاسخ به درخواست سپاه پاسداران، خواهشمند است دستور فرمائید تا یک گروه پزشکی مورد اعتماد مخفیانه خون اشخاص را که به مرگ محکوم شده‌اند گرفته و حکم اعدام را بلافاصله اجرا کنند. خون این افراد باید توسط سرنگ در کیپول‌های مخصوص نگهداری شود. این کیپول‌ها باید در اسرع وقت به نزدیک‌ترین بهداشتی یا بانک خون تحویل داده شود. این امر به برادران پاسدار اجازه خواهد داد تا در شرایط فوری هرچه زودتر از این خون‌ها استفاده کنند. بالاخره جهت حصول اطمینان که این عمل از نقطه نظر مذهبی هیچگونه اشکالی بوجود نخواهد آورد، این مسئله با امام خمینی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در میان گذاشته شد و ایشان گفتند که این عمل تجاوز به حریم مذهب نیست و از نقطه نظر مذهبی اشکالی ندارد."

متن این بخشنامه در بولتن خبری کمیته فرانسوی دفاع و همبستگی با زندانیان سیاسی ایران نیز انتشار یافته است.

"زیر خط فقرا"

بقیه از صفحه ۱

اعتصابات کارگری بهمین منطقه صنعتی ختم نمی‌شود. در کارخانه‌های کشورمان آزاد ریاچان تا کرمان و از خوزستان تا خراسان، مرحله انباشت کم تلاطم نارضایتی پایان می‌گیرد و کارگران به مبارزه شدیدتر طبقاتی از طریق توسل به حربه اعتصاب دست می‌زنند. کارمندان زحمتکش و کم درآمد نیز در این حرکت با کارگران همراهند. بعلاوت وسعت اینگونه اعتراضات است که روزنامه جمهوری اسلامی بقصد مهار نارضایتی مجبور به اعتراف می‌شود که:

"افزایش سریع هزینه‌های جنگ و تاثیر آن در قیمت اقلام قابل توجهی از کالاها و ثابت بودن سطح حقوق و درآمد کارمندان دستگاه‌های دولتی در چند سال اخیر، قدرت خرید این طبقه را روز بروز تنزل می‌دهد" (جمهوری اسلامی ۱۳ آذر ۶۳) این روزنامه، سالوسانه از نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای حل این مشکل نظرخواهی می‌کند. در اینکه تورم لجام گسیخته، درآمد‌های ثابت و اندک کارمندان را می‌بلعد و زندگی رابسر آنان دشوار می‌نماید، تردیدی نیست. ولی ارگان حزب حاکم هنوز حاضر به اعتراف نیست که گرانی‌های محتاج عمومی، کمی دستمزد و اخاذی‌های طرچنگ امکان زندگی در شرایط حداقل را از طبقه کارگر میهن ما و فرزندان آنان نیز سلب کرده است.

آقای ارسلان صفایی نماینده مجلس شورای اسلامی در پاسخ به سؤال روزنامه جمهوری اسلامی نتوانسته است نارضایتی وسیع کارگران را نادیده بگیرد.

"اکثریت قاطع مردم ما که عبارت از طبقه کم درآمد کارگران، کارمندان و بازنشستگان هستند در زیر بار سنگین فشارگرانی و تورم و افزایش سرسام آورهای کالاها و اساسی و مسکن، در نهایت عسرت قرار دارند." (همان روزنامه، همان شماره) از یکسو اعتراف به افزایش سریع هزینه‌های جنگ و تاثیر مخرب آن بر زندگی زحمتکش‌ان و از سوی دیگر تبلیغ بدون وقفه برای ادامه نابخردانه جنگ در روزنامه جمهوری اسلامی بر تئیت خیرگرد آتندگان حزب حاکم گواهی نمی‌دهد.

آنانکه خود مدافع سینه چاک احیاناً نظام منحنط سرمایه‌داری وابسته‌اند، نمی‌توانند کمترین نگرانی از کمی دستمزد کارگران که منشاء سود سرمایه‌داران است، داشته باشند. اشک تساح حزب حاکم، بعلاوت مقاومت و مبارزه روبه‌اوج زحمتکش‌ان میهن ماست.

دیگر روزنامه‌های مجاز حکومتی نیز، برای اینکه از قافله عقب‌نمانند، ضمن چشم‌پوشی بر اشکال عالی‌تر مبارزه زحمتکش‌ان (اعتصابات و اعتراک‌ضات جمعی)، رفته رفته برخی از مطالبات انفرادی حقوق بگیران را درج می‌کنند. نمونه‌هایی که در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۶ مرداد ۶۳ درج شده است برای نشان دادن شدت فشار بر زحمتکش‌ان و حقوق بگیران، بقدر کافی گویاست:

"با ۳۵۰۰ تومان چگونه می‌توان زندگی کرد؟ با داشتن ۱۳ سال سابقه کار با ۳۵۰۰ تومان

دریافتی دارم. دوهزار تومان اجاره خانه می‌دهم و تا آنجا که امکان داشته مسائل زندگی‌م را فروختام و خرج کرده‌ام ۳۰۰۰۰۰ (آقای علی رضایی کارگر گمرک جنوب تهران) .

"۸ سال است در تسلیحات ارتش کار می‌کنم و ۳۵۰۰ تومان حقوق می‌گیرم. پس از پرداخت ۲۵۰۰ تومان اجاره مسکن و کنار گذاشتن هزینه رفت و آمد چیزی برای مخارج زندگی باقی نمی‌ماند." (آقای علی فرح)

به راستی که اظهارات فوق سند رسوایی و ننگ کسانی است که هنوز هم بی‌شرمانه دم از "مستضعفان و عدالت" می‌زنند.

سوابق کار این دو حقوق بگیر نشان می‌دهد که نوجوان نیستند و بطور قطع هر یک از آنان نان آوری خانوادگی چند نفری هستند. از ۳۵۰۰ تومان حقوق ۲۵۰۰ - ۲۰۰۰ تومان بابت اجاره مسکن پرداخت می‌شود. با ۱۵۰۰ - ۱۰۰۰ تومان باقی‌مانده چگونه می‌توان از پس حداقل مخارج ضرور برای تغذیه یک جمع ۳-۴ نفری برآمد؟

وسائل زندگی که کارگر گمرک جنوب بسرای جبران کمی دستمزد خود فروخته است از لقمه‌هایی که از شکم فرزندانش زده بود تهیه شده‌اند. نه از پس‌اندازهای بانکی. کسانی باید از این وضع شرمگین باشند که فقر جسم زحمتکش‌ان را می‌بینند و بر سودهای نجومی سرمایه‌داران قیای "شرعی" می‌دوزند.

زندگی بخش‌عظیمی از زحمتکش‌ان میهن ما از نمرته‌های فوق نیز به مراتب سخت‌تر است. حد اقل دستمزد در بخش صنعتی، چند سال است که به میزان ۶۳۵ ریال در روز ثابت نگهداشته شده است و بخش‌عظیمی از کارگران موقت وجدیدالاً - ستخدام این دستمزد را دریافت می‌دارند، یعنی ماهانه ۲۰۰۰ تومان.

اکثریت قریب به اتفاق زحمتکش‌ان میهن ما در شرایط زیر خط فقر زندگی می‌کنند. توده‌های کارگر برای احقاق حقوق خود و اغتلاهی سطح‌مادی و معنوی زندگیشان می‌رزند. نیروی متحد کارگران را که با سلاح اعتصاب گام در میدان نبرد طبقاتی نهاده است نمی‌توان نادیده گرفت. هر نیرویی در مقابل آنان بایستد بدون تردید کمرش خورد خواهد شد.

در گزارش سیاسی به پلنوم هیجدهم حزب توده ایران گفته می‌شود:

"پارتلاریای صنعتی ایران استوارترین ذخیره انقلاب است و همانطور که در جریان مبارزه علیه طرح جدید ارتجاعی قاضین کارشان دادند خواهان تدایم انقلاب، طرد نیروهای ارتجاعی و عمل امپریالیسم از حاکمیت و ایجاد تحول بنیادی به نفع محرومان جامعه‌اند و با انقلابیون راستین در صف واحدی مبارزه می‌کنند."

راه پیروزی همه حقوق بگیران و زحمتکش‌ان ایران اتحاد پارتلاریای صنعتی و کارگیری اشکال عالی‌تر مبارزه جمعی - اعتصابات تظاهرات است. حزب توده ایران در این نبرد سرنوشته ساز پیشاهنگ طبقه کارگر و همه زحمتکش‌ان میهن ماست. حزب توده ایران برای انجام تحولات بنیادین دین بسود توده‌های محروم برناه دارد.

پیامهای شادباش بمناسبت سالگرد تأسیس حزب توده ایران

شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی

رفقای ارجمند ،
 بمناسبت چهل و سومین سالگرد پایه گذاری حزبتان درودهای برادرانه ، رزی و همبستگی - آمیز اعضای حزب کمونیست شیلی را بپذیرید .
 چهل و سه سال زندگی حزب توده ایران یعنی چهل و سه سال پیکار فدائیکارانه و شهادت آمیز حزب طبقه کارگر ایران در راه پاسداری - چون و چرا از منافع ملی و خواسته های توده زحمتکش .
 مبارزه با استعمار انگلستان ، دیکتاتور شاه ، فاشیسم و سیادت طلبی امپریالیسم آمریکای شمالی ، شرکت فعال در قیام ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی ۱۹۷۹ و ایستادگی در برابر دسیسه های ارتجاع داخلی و خارجی - اینست نمونه های از تاریخ پرافتخار حزب توده ایران .
 اکنون که هزاران توده ای در زندانهای رژیم بسر می برند و وحشیانه شکنجه می شوند ، بار دیگر همبستگی انترناسیونالیستی و انقلابی خود را با شما اعلام می داریم .
 اطمینان داریم ، که مناسبت دوستانه میان دو حزب ما برپایه انترناسیونالیسم پرولتری و مواضع شکست ناپذیر مارکسیسم - لنینیسم و آرمان مشترک پیکار در راه صلح ، آزادی و دموکراسی در آینده نیز هرچه بیشتر گسترش خواهد یافت .
 کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی

پیام حزب کمونیست هند به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز
 لطفاً تبریکات گرم و رفیقانه ما را به مناسبت چهل و سومین سالگرد تأسیس حزبتان از سوی شورای ملی حزب کمونیست هند بپذیرید .
 ما ارجح بسیاری برای مبارزه حزبتان علیه دیکتاتوری شاه ایران - ژاندارم امپریالیسم آمریکا در منطقه - قائلیم . سقوط رژیم شاه و پیروزی انقلاب مردمی و ضد امپریالیست در ایران امکانات تازه ای برای مبارزه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک در راه تغییرات بنیادی اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی در کشورتان فراهم کرد . با کمال تأسف هیئت حاکمه فعلی به انقلاب مردمی ایران خیانت کرد . هیئت حاکمه ای که با اتخاذ ارتجاعی ترین و ضد مردمی ترین سیاستها نه تنها علیه انقلاب برخاست ، بلکه به درهم کوبیدن حزب توده ایران و دیگر نیروهای دمکراتیک و مترقی کشور پرداخت .
 در این مقطع حساس از تاریخ کشورتان حزب شما نقش تاریخی مهمی در متشکل کردن طبقه کارگر و متحد کردن دیگر نیروهای ضد امپریالیست و دمکراتیک برای احیاء آماج های ضد امپریالیستی و دمکراتیک انقلاب ایران ایفا می کند . موفقیت شما را در این مبارزه با شکوه آرزو می کنیم .
 خجسته باد چهل و سومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران !
 زند باد همبستگی دو حزب ما ، با سلامهای گرم و رفیقانه ،
 م . فاروقی
 منشی شورای ملی و عضو کمیته اجرایی مرکزی حزب کمونیست هند

شادباش حزب مترقی خلق گویان

رفقای گرامی ،
 درودهای انقلابی حزب مترقی خلق گویان را بپذیرید .
 کمیته مرکزی حزب مترقی خلق گویان چهل و سومین سالگرد پایه گذاری حزب توده ایران را به شما صمیمانه و برادرانه شادباش می گوید .
 حزب ما به این سالگرد خجسته فخر می ورزد و بر مناسبات برادرانه ای ، که در سالهای گذشته میان دو حزب برقرار بوده است ، ارجح می نهد .
 ما ضمن آنکه خود را در این جشن سهیم می دانیم ، پشتیبانی خود را با پیکار اصولی و قهرمانانه شما با سرکوبگری فرمانروایان جمهوری

آقای نخست وزیر . . . بقیه از صفحه ۷

ندارد ؟ منظورشما از رشد استعداد هاست چیست ؟ در حالیکه عملاً سیاست آموزشی و فرهنگی کشور در اختیار قشری ترین و ارتجاعی ترین جناح حاکمیت ج ۱۰ پایه های فرهنگ انقلابی و انسانی را در کشور ما متزلزل کرده است . آیا مفهوم آزادی این است که مشتق از اول و اوایلش جان و مال و ناموس مردم را دائماً مورد تعرض قرار دهد و هیچ نیرویی جلودارشان نباشد ؟ آیا مفهوم آزادی این است که غارتگران را لوصفت تا آخرین قطره خون زحمتکش را بکشد و مجریان قانون در رهها هنگی با آنها دم فریوندند ؟
 باید گفت ، آقای نخست وزیر که در خوش خیالی دست شاه سلطان حسین را از پشت بسته است . سرنا را از سرگشادش می نوازد . سالها پیش ریگی از روزنامه های وطنی کاریکاتوری چاپ شد به این مضمون که جنگلی به آتش کشیده شده بود و نخست وزیر وقت با شتاب می رفت تا پیشش را روشن کند . این بار نیز رهبران ج ۱۰ آتش خانمانسوز جنگ را با صد ها میلیارد دلار زیان مادی و تلفات جانی بی شمار فروخته نگاه داشته اند . باید گفت که آقای نخست وزیر ج ۱۰ از همتای خود تنها پیبی کمتر دارد .

پیام حزب سوسیالیست انقلابی هند

به مناسبت چهل و سومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران ، حزب سوسیالیست انقلابی همکاری رفیقانه خود را با حزب توده ایران در مبارزه علیه نیروهای امپریالیستی - سرمایه داری ، تاریک اندیش و قشری مدھی ایرانی دارد .
 حزب سوسیالیست انقلابی مبارزه احزاب مارکسیست لنینیستی سراسر جهان را علیه امپریالیسم - سرمایه داری و دیگر نیروهای ارتجاعی ، تفکیک ناپذیر می دارد . از این رو حزب سوسیالیست انقلابی نسبت به موفقیت یا ناکامی حزب توده ایران بسیار حساس است .
 با تبریکات قلبی پراتوی چادری ، دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست انقلابی - د های نو

پشتیبانی خواهیم کرد .

حزب ما همواره پرچم استقلال راستین ، دموکراسی ، صلح و پیشرفت اجتماعی و همبستگی با مردم ستمدیده و رزمنده سراسر جهان ، از جمله توده های زحمتکش ایران ، به رهبری حزب پیشاهنگشان ، حزب توده ایران را ، برافراشته نگاه خواهد داشت .

زند باد حزب توده ایران !
 پایدار باد مناسبات برادرانه میان حزب توده ایران و حزب مترقی خلق گویان !
 پیروز باد انترناسیونالیسم پرولتری !
 با درودهای برادرانه ،
 دبیر بین المللی کلمنت روهی

اسلامی ، راستگرایان و آشتی جویان با امپریالیسم ابراز می داریم .
 حزب مترقی خلق گویان اعتقاد دارد ، که حزب توده ایران ، این پاسدار پیگیر منافع ملی مردم ایران و مصالح اجتماعی - اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر ایران ، در نبرد های آینده نیز پیروز خواهد بود .

ما به کمونیست های ایرانی ، چه آنها ، که در داخل و خارج به مبارزه مشغولند ، و چه آنها ، که در سیاه چالهای رژیم اسلامی بسر می برند ، اطمینان می دهیم ، که پیوسته از کوشش های حزب توده ایران در راه اتحاد نیروهای و سازمانهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی در جنبه متحد خلق

تلفیق هشیارانه کار مخفی و علنی در شرایط کنونی یک وظیفه انقلابی است !

از لابلای روزنامه‌ها

دوست خوبی که به خاطر سود زیاد برای ما احترام قائل است!

" ما با ژاپن و ژاپن با ما رابطه خوبی داریم و این کشور از دوستان ماست و سالیانه حدود ۵ میلیارد دلار مبادلات بازرگانی - تجاری با ژاپن داریم. ژاپنی‌ها برای داشتن روابط حسنه با جمهوری اسلامی ایران، احترام بسیاری قائلند و از این مبادلات سود زیادی می‌برند که این منافع متقابل است. " (محمد علی بشارتی قائم مقام وزارت خارجه، اطلاعات ۱۹/۷/۶۳)

وقتی سیاست نه شرقی نه غربی خودمان را حاکم کردیم، سنتو هم احیا شد

" در اوائل انقلاب آروسی بودی را بطور کامل کنار گذاشتیم آنهم بدلیل اینکه سایه‌ای از "سنتو" بر آن حاکم بود. اما وقتی سیاست نه شرقی و نه غربی خودمان را مستقر کردیم و بنا بر صراحت موضع خود ما نژاد ر جهان نمایانیم، رابطه خود را با ترکیه و پاکستان بعنوان همسایگان خود گسترش دادیم. در این قالب آروسی بودی عملاً با موافقت نا‌ه‌های اقتصادی که در آن عسست می‌تواند چارچوب‌های خوبی برای همکاری منطقه بسازد. "

(نخست وزیر، اطلاعات ۶۳/۷/۷)

آینده روشن برای ملت، اما بدون جوانان!

" وقتی پدر و مادرها جوانان خود را مثل ارزشندترین هدیه‌ای برای جهاد در راه خدا تقدیم می‌کنند این ملت یک آینده روشن حتمی و واقعی در انتظار دارد. "

(رئیس جمهوری، اطلاعات ۳ مهر ۶۳)

قدرت نمایی سالم!

" در همین دوران ۵ ساله ۱۷ هزار موافقت اصولی شده با اینکه بخش خصوصی، کارخانه و کارهای تولیدی داشته باشد. خوب ۱۷ هزار در مقابل تعداد بسیار کمی که در پنج سال آخر رژیم شاه بود، نشان می‌دهد که ما قوی تر از گذشته بطرف بخش خصوصی می‌رویم، منتوی سالم" (رئیس مجلس شورای اسلامی - نماز جمعه ۶ مهر ۶۳)

"باجان نزاری بسیار، اعتصاب سرکوب شد!"

" برادران، صنایع دفاع را اینقدر رنگرینند مدیریت آن نقصی ندارد، این سازمان جهان نزاریهای زیادی کرده و اگر آقای ابراهیمی (مسئول سابق عقیدتی - سیاسی ارتش) در آنجا

نبودند، اعتصابات صورت می‌گرفت. " (سرهنگ اعتمادی نامزد وزارت دفاع - کیهان ۲۸ مهر ۶۳)

"وزارت بازرگانی یا وزارت واسطه‌ها؟"

" طبق دستور وزارت بازرگانی در حال حاضر مقداری از اجناس تعاونی‌ها از طریق واسطه‌ها خریداری می‌شود که این مسئله علاوه بر افزایش نرخ کالاها، فلسفه وجودی تعاونی‌ها را لوث میکند. (جانشین مدیرعامل اتحادیه " مکان " - کیهان ۲۵ مهر ۶۳)

"جانبازان ناقص ضرر کردند"

" اولویت در تامین مسکن با خانواده‌های شهدا،فقودین و نیز جانبازان کاملی است که فرضاً در پای آنها قطع شده است، چرا که با مکانا فعلی قادر نیستیم مسکن کلیه جانبازانی را که بعنوان مثال از ناحیه یک دست فلج شده‌اند و یا یک چشم آنها صدمه دیده و معیوب شده، تامین کنیم. "

حجت الاسلام کریمی، کیهان ۲ آبان ۶۳

"گوش شنوادر برابر بعضی از فریادها"

" فریادهای بلند شده که امنیت اقتصادی نیست و ما برای نشان دادن اینکه امنیت اقتصادی وجود دارد، اموال مصادره‌ای برخی افراد فاسد و فراری را به آنها برگردانده‌ایم. "

نماینده مردم شدت در مجلس شورای اسلامی - کیهان ۲ آبان ۶۳

"خوب است ۳ دانگ از خانه کارگر به مالکیت کارفرمایان درآید"

" ما حساسیت خاصی به قشر کارگر نداشته‌ایم. در تشکیلاتی مانند خانه کارگر بایستی کارفرمای مسلطان و متعهد نیز بتواند شرکت کند و مزیندی از بین برود. " (سرحدی زاده وزیرکار و امور اجتماعی - روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ آبان ۶۳)

"مشارکت مردم در کارها، یعنی چه؟"

" آنچه مورد نیاز دولت است این است که از مشارکت مردم در رابطه با تامین هزینه‌های بخش آموزش و پرورش و درمان به نحوی استفاده کنند. اولین قدمی که برداشته شد همین بود که امسال آموزش قبل از دبستان را به عهده خود مردم بگذارند. " (رئیس سازمان برنامه و بودجه - اطلاعات ۲۲ مهر)

آقای نخست وزیر...

بقیه از صفحه ۱

هنرمندان تا آنجا که جنگ شکل فرسایشی به خود نگرفته بود نه تنها ستایشگر دفاع از میهن بودند، بعضاً در جنگ شرکت داشتند و امروزه که جنگ محتوای مردمی خود را از دست داده با ادامه آن مخالفند.

نخست وزیر در جمع گروهی از عکاسان بیهوده می‌کوشد با انگشت نهادن بر حساسیت های عاطفی و تحریک احساسات، آنها را متقاعد کند که " شما تصور کنید آن هنرمندی را که در زیر گلوله درست مثل آن که یک مسلسل به دست دارد، در ورین خود را به سمت دشمن نشانده گرفته است، این هنرمند دوربینش به سوی صحنه‌های ماندنی نشانه می‌رود و این روحیه‌ای است که برای همه هنرمندان ملل مستضعف دست‌آموز هر نوع خلافتی است. "

البته رفتن عکاسان و هنرمندان به میدانها و عکسبرداری از جسد های تکه تکه شده دانش آموزی که از پشت میز مدرسه به میدانهای جنگ گسیل شده‌اند، سرکشی به مردانهایی که هنوز درها جسد پوسیده و متعفن در گوشه و کنار آنها به چشم می‌خورد! و یا عکسبرداری از معدودی به اصطلاح " حزب اللهی " که آناه و نا - آناه شعار " جنگ، جنگ، تا پیروزی " سر می‌دهند و با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی روستاییان زحمتکش، نوجوانان کم سن و سال را می‌فریبند و به قربانگاه فرامی‌خوانند، در اشیاء جنایت‌های رژیم ج ۱۰ برای همه مردم جهان خلایق است و در آن تردیدی نیست.

آقای نخست وزیر باید بدانند که این عکسها از هر زاویه‌ای که گرفته شود دیری نخواهد پایید که به عنوان سند جنایات رهبران ج ۱۰ در دادگاه خلق ارائه خواهند شد. علاوه بر آن در ورین عکاسان و نگاه کارشناسان هنرمندان در زوایای دیگری نیز افشاگرانه به کار افتاده و به کار خواهند افتاد. همان زوایایی که رهبران ج ۱۰ می‌کوشند تا آن‌ها را از چشم جهانیان مخفی دارند.

اما نکته قابل درنگ در سخنان نخست وزیر با عکاسان، که بی اختیار لبخندی از تمسخر بر لب هراسانی که از چند و چون آزادی‌های دموکراتیک در جامعه ما باخبر است می‌نشانند، این است که " انسان می‌تواند آزادانه زندگی کند و در سایه ارزشهای الهی و انسانی به رشد استعداد های خود بپردازد و این هنرمندان ما هستند که بازمان هنرمی‌توانند این پیام رایبه جهانیان برسانند. "

باید از آقای نخست وزیر پرسید از کدام آزادی سخن می‌گویید؟ در حالی که زندانهای ج ۱۰ انباشته از مردان و زنان آزاداندیش است و هزاران نفر به جرم آزاداندیشی به جوخه -

های اعدام سپرده شده‌اند. از کدام ارزشهایی سخن می‌گویید، در حالی که هیچ ضابطه و قانونی مبنی بر دفاع از ارزشهای انسانی در کشور وجود بقیه در صفحه ۱

به سرکوب خلق کرد
باید پایان داده شود!

پیرامون مناسبات اتحاد شوروی و چین

مجله "ژئودنارود نایا ژیزن" (زندگی بیسن - المللی) در جدیدترین شماره خود می نویسد: دلایل عینی برای بیگانگی میان خلق های اتحاد شوروی و چین بازهم بیشتره برای دشمنی و رویارویی میان آنها وجود ندارد. طی ۲۵ سال گذشته در مناسبات اتحاد شوروی و چین آشکارا و در خط بچشم می خورد. یکی از آنها کسه در تصمیم های کنگره های بیست و چهارم، بیست و پنجم و بیست و ششم و پنجم های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بازتاب یافت هدفش عادی کردن مناسبات میان دولت های اتحاد شوروی و چین بر پایه اصول اساسی است تا مناسبات حسن همجواری واقعی میان دو کشور که پاسخگوی منافع حیاتی دراز مدت خلق های شوروی و چین، منافع سوسیالیسم جهانی و منافع تشدید مبارزه علیه امپریالیسم است برقرار شود. خط دیگری - خط رهبری چین از مراحل مختلفی گذشت که در هر یک از آنها این یا آن برداشت سیاسی دشمنانه نسبت به اتحاد شوروی مطرح گردید.

از سال ۱۹۴۹ به اینسو اتحاد شوروی پیگیرانه از حقوق جمهوری خلق چین نسبت به تایوان پشتیبانی میکند. یادآوری این نکته اهمیت دارد که کشور ما هیچگونه ادعایی نسبت به چین نداشته و ندارد. نه ارضی، نه اقتصادی و نه هر نوع دیگری و هیچگونه شرط قبلی برای عادی کردن مناسبات اتحاد شوروی و چین مطرح نکرده است. برای اینکه روند وخیمتر شدن مناسبات و کشور متوقف شود و در راه حسن همجواری و همزیستی

مسالمت آمیز بیفتد اتحاد شوروی نه یکبار پیشنهاد های سازنده و مشخصی را مطرح کرده است. اتحاد شوروی بارها برای گفتگوی سیاسی و تجدید همکاری در زمینه های گوناگون و قطع مجادلات پا فشرده است.

اما تا آنجا که مربوط به چین میشود، طی تقریباً ۲۵ سال ابتکارات صلحجویانه اتحاد شوروی را رد می کرد و یا به آنها پاسخ نمی داد.

مجله سپس می نویسد: طی سال های هشتاد و ظاهراً بخاطر همان نعت از عادی شدن مناسبات میان دو کشور، چین مشی ایستروکسیونی خود را تغییر داد و اکنون اعلام می کند که برای عادی شدن مناسبات میان دو کشور، اتحاد شوروی باید سه مانع را برطرف کند: "پشتیبانی از ویتنام رابه هر شکلی که باشد قطع کند، تعداد نیروهای مسلح شوروی در مناطق هم مرز با چین را کاهش دهد و نیروهای نظامی مستقر در مغولستان را عقب بکشد، بخش های محدود سربازان شوروی را از افغانستان بیرون ببرد". به زحمت می توان گفت که از طرف چین، هنگام گذاشتن این شرایط برایش روشن نبوده است که این شروط برای اتحاد شوروی غیر قابل پذیرفتن است زیرا از نظر ماهیت خود دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر و به معنی خواست تغییر نظام مناسبات میان دولتها در خاور دور و آسیای میانه است. این مسائل بظاهر جنبه منطقه ای دارد اما در واقع اینها بر استقرار نیروهای دسیستم رویا روی عرصه جهانی تاثیر می گذارد. این خواست های قبلی نسبت

به اتحاد شوروی، مطلقاً هیچ ارتباطی با امنیت جمهوری مردم چین، آنطور که پکن مدعی است، ندارند. گویی دو معیار مختلف در مورد توسعه مناسبات با اتحاد شوروی از یکسو و با ایالات متحده آمریکا و ژاپن از سوی دیگر وجود دارد. برای اتحاد شوروی "موانع" مصنوعی ایجاد می کنند، اما نسبت به کشورهای امپریالیستی، گرچه واقعیاتی مبنی بر نقض منافع حق حاکمیت چین از جانب آنها وجود دارد برخورد دیگری میشود. مبارزه اتحاد شوروی علیه سیاست ایالات متحده آمریکا که صدها پایگاه نظامی علیه کشور ما و دیگر کشورهای سوسیالیستی ایجاد کرده است و همچنین محکوم کردن مشی نظامی کردن ژاپن که در سالها نه چندان دور بخشی از سرزمین چین را اشغال کرده بود به چین و امنیتش لطمه نمی زند و نمیتواند لطمه بزند: این مبارزه پاسخگوی منافع اتحاد شوروی و چین و دیگر کشورهای آسیایی است.

اتحاد شوروی آماده است روی تدابیر قابل قبول برای دو کشور برای بهبود مناسبات و جانیه بر پایه احترام متقابل نسبت به حقوق و منافع قانونی و عدم دخالت در امور داخلی و نفع متقابل گفتگو کند. اما البته، بدون اینکه گفتگوها بزیان دیگر کشورها باشد. مردم شوروی اطمینان دارند که منافع دراز مدت هم چین و هم اتحاد شوروی خواهان توجه جدی به بهبود مناسبات و کشور است و نباید دلایل ناموجه برای به تاخیر انداختن این پروسه در میان گذاشته شود. اگر چین همراه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در این راه گام بردارد، صلح در سراسر جهان از این سود خواهد برد و بفتح ساختن سوسیالیسم خواهد بود.

سخنی چند پیرامون ... بقیه از صفحه ۳

پیروزی انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن به امپریالیسم آمریکا، از یاد نخواهند برد در آن هنگام که خطر مدخله، مستقیم نظامی امپریالیسم آمریکا برای سرکوب خونین انقلاب مردم ایران افزایش بی سابقه ای یافته بود.

پشتیبانی اتحاد شوروی از انقلاب مردم ایران و کمک های شایان توجه مادی و معنوی آن، یکی از عوامل عمده خنثی شدن توطئه های ماجراجویانه خارجی انقلاب بشمار می رود. به عنوان مثال می توان از توتی نمایندگی اتحاد شوروی در سازمان ملل متحد برای عقیم ساختن توطئه امپریالیستی محاصره اقتصادی ایران، بستن قرارداد ترانزیت میان ایران و اتحاد شوروی در شرایط حساسی که امپریالیسم آمریکا و متحدانش حلقه محاصره خود را به دور ایران تنگ تر می ساختند، و همکاری های میان دو کشور بر اساس عدم مدخله در امور داخلی و سود متقابل وغیره یاد کرد.

نمایندگه وزارت راه و ترابری در باره مزایای این قرارداد در مجلس چنین گفت: "در تعرفه مبنای قرارداد، نرخ نسبت به نرخ های بین المللی کمتر است و اتحاد شوروی ۳۰ درصد به ایران تخفیف داد است."

وی همچنین خاطر نشان ساخت:

"این قرارداد ۰۰۰۰ در خلی از موارد به نفع دولت جمهوری اسلامی ایران، یک طرفه بسته شده است." (نامه مردم شماره ۳۹۳) در حال حاضر در آینه روند مناسبات ایران و اتحاد شوروی پس از انقلاب اکبر، به این نتیجه و پدیده قابل تحقق می توان اشاره کرد که ماهیت رویدادها و تحولات داخلی کشور ما با فرار و نشیب مناسبات و همکاری های با اتحاد شوروی پیوند منطقی و انکارناپذیری وجود داشته و دارد. از این رو امپریالیسم آمریکا برای آنکه انقلاب و میهن ما را به بند بکشد، از زبان سخنگویان خود در دولت آمریکا دستور العمل افشاندن بذرعدم اعتماد و سوء تفاهم به اتحاد شوروی و توطئه برای پایان بخشیدن به همکاری های سودمند دو کشور رابه متحدان و کارگزارانش صادر می کند. یکی از عناصر اساسی و جدایی ناپذیر سیاست "کمونیسم ستیزی" امپریالیسم و ارتجاع "شوروی ستیزی" است. در هر کارزار باید توطئه یادر هر گوشه از جهان که امپریالیست ها زمینه توطئه ای علیه آزادی و استقلال خلقها و سرکوب انقلابها را می بینند، بیامی خواهند فتنه انگیزها و تبهکارها را توجیه کنند، آتش سنگین واورنوسازی حقایق در باره سوسیالیسم واقعاً موجود و قلب پرتوان آن یعنی اتحاد شوروی

می گشایند. آنها بویژه به فداکارترین گردان های پاسدار منافع زحمتکشان، خواه کمونیستها یا دیگر نیروهای صادق هواخواه دموکراسی و ترقی اجتماعی برجسب "وابستگی و سرسپردگی" و "جاسوسی" می زنند و از این رهگذر، راه خونین سرکوب و فتنه خلقهای محروم راهمواری می سازند. سیل اتهامات و افتراهای ناروای حاکمیت واپسگرای جمهوری اسلامی به حزب توده، ایران بویژه پس از چرخش به راست و حاکم ساختن رژیم ترور و اختناق بسود کلان سرمایه داران، بزرگ زمینداران و انحصارات امپریالیستی و کارزار شوروی ستیزی در رسانه های گروهی ج ۱۰ نیز دقیقاً از همین جا سرچشمه می گیرد.

NAMEH MARDOM		P. B. 49034	
No: 26		10028 Stockholm 49 Sweden	
NOV. 29, 1984			
Price			
W. Germany	1,00	DM	
France	3,00	Fr	
Austria	8	öS	
England	30	p	
Italy	600	L.	
USA	40	cTs	